

شرکت حزب توده ایران در

اجلاس جهانی احزاب

کمونیست - کارگری

در صفحات ۷ و ۸

کمونیست های عراق برای

دموکراسی و استقلال می رزمند!

مصاحبه با رفیق سلام علی، عضو کمیته

مرکزی حزب کمونیست عراق

در صفحه ۱۲

نامه افشاگرانه دفتر تحکیم وحدت به

دبیرکل سازمان ملل متحد

بن بست اصلاحات و

آپارتاید سیاسی رژیم

نامه دفتر تحکیم وحدت بیان روشن این

حقیقت است که در چارچوب ادامه رژیم ولایت

فقیه تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و

بنیادین امکان پذیر نیست.

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی امیر کبیر، دفتر تحکیم وحدت، با انتشار نامه سرگشاده بی به کوفی عنان، با اظهار ناامیدی از دولتمردان کنونی، از دبیرکل سازمان ملل متحد خواهان رسیدگی به زیر پا گذاشتن حقوق بشر در ایران شد. در این نامه از جمله آمده است: «ما دانشجویان عضو اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان، نمایندگان منتخب دانشجویان دانشگاهها در سراسر کشور ایران (دفتر تحکیم وحدت) هستیم. از آنجاکه این تشکل، تنها تشکل باقیمانده ای است که در سالیان گذشته امکان پی جویی و بیان مطالبات دانشجویان را علیرغم تحمل فشارها و برخوردها یافته لذا امروز نیز بر حسب وظیفه با اعلام ناامیدی از روند پیگیری اصلاح طلبان از اصلاح حکومت موجود، این نامه را به

ادامه در صفحه ۲

حمایت از خواستهای اقتصادی یا

مانور برای بهره برداری سیاسی

طی سال های اخیر، ارتجاع و نیروهای مدافع ذوب در ولایت، در رویارویی با جنبش مردمی پرتوان میهن ما که، در راه تامین آزادی و عدالت اجتماعی پیکار می کند، از شیوه ها و روش های متفاوت اما مشخصی در مقاطع گوناگون سود برده اند. یکی از این روش ها، کوشش در راه تغییر و یا سمت و سو دادن مبارزات و طرح شعارهای دروغین، بی موقع، زود هنگام و یا واداشتن جنبش به اقدامات ناسنجیده و نابهنگام، با هدف انحراف و در پایان بی اثر ساختن این جنبش بوده است.

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۶۴، دوره هشتم

سال بیستم، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۲

«منشور آزادی»، جبهه واحد ضد دیکتاتوری و

ضرورت عاجل لحظه کنونی

اجتماعی و حاکمیت ملی؛
- تأمین حق بلامنزاع شهروندان در تعیین و انتخاب نوع و ترکیب حکومت مرکزی از طریق مراجعه مستقیم به آراء عمومی؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، مذهب، بیان و تشکل؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی مطبوعات با هر دیدگاه فکری، فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی با هر دیدگاه فکری، فلسفی، سیاسی و یا مذهبی؛
تأمین برابری حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و مردان و از بین بردن کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان؛ - تأمین حقوق ملی خلق های ایران در چارچوب یک ایران آزاد، مستقل و دموکراتیک؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی اقلیت های مذهبی از جمله زرتشتیان، مسیحیان، کلیمیان، آسوریان، بهائیان و دیگران؛
- انحلال کلیه ارگان های تفتیش عقاید، سرکوب و ترور در جامعه؛
- جدایی کامل دین از حکومت؛
- تأمین حاکمیت ملی ایران بر پایه استقرار روابط دوستانه، برابر و عادلانه با تمامی کشورهای منطقه و

ادامه در صفحه ۱۰

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذرماه ۱۳۷۲ سندی را با عنوان «منشور آزادی» منتشر کرد و در توضیح ضرورت انتشار این سند نوشت: «کشور ما در تاریخ معاصر خود، به دلیل دخالت بیگانگان، استعمارگران و حاکمیت رژیم های استبدادی و ضد دموکراتیک، تنها دوره های کوتاهی را در صلح، آرامش و آزادی به سر برده است... دهه هاست که آزادی اندیشه و بیان جرمی نابخشودنی است و انسان های میهن دوست، آزادی خواه و عدالت جو به خاطر تسلیم نشدن به استبداد و ظلم به زندان انداخته شده اند، شکنجه شده اند و چه بسیار به جوخه های اعدام سپرده شده اند... ملت ایران در چند دهه گذشته به اندازه کافی بی عدالتی، ظلم، خونریزی و ستم تحمل کرده است و امروز حق دارد تا آینده ای آزاد، با امنیت و عادلانه را از نیروهای سیاسی و سیاستمداران کشور طلب کند. به گمان ما تنها راه تأمین چنین خواست عاجلی مبارزه وسیع، فراگیر و متحد مردم و نیروهای سیاسی و آزادی خواه کشور است...» (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۴۱۶، ۱۶ آذرماه ۱۳۷۲).

سند سپس اصول چندگانه زیر را به عنوان کارپایه بحث و تبادل نظر درباره چنین پیکار مشترکی به تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه پیشنهاد می کند:
- استقرار آزادی های فردی، سیاسی،

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه نامه افشاگرانه دفتر تحکیم وحدت ...

ستانده شده است...»

نامه در ادامه ضمن اشاره به حمله اخیر مزدوران ولی فقیه به دانشگاه های کشور اضافه می کند: «در روزهای اخیر مجدداً به خوابگاههای دانشگاه تهران و خوابگاه دانشگاه علامه طباطبایی، همدان و یزد با سلاحهای سرد و چاقو و خنجر و چماق، حمله شده و دانشجویان با بی رحمانه ترین شکل مورد ضرب و شتم قرار گرفته می شوند و از سوی دیگر نمایندگان امضاءکننده نامه انتقادی به رهبر نظام به عناوین مختلف مورد انواع و اقسام تهدیدات واقع می شوند و حتی نماینده ای از این امضاءکنندگان با اتومبیل به دره افکنده می شود، در این شرایط چگونه میتوان برای منتقدین و معترضین و مخالفین حکومت انتظار امنیت شخصی داشت؟ ... در ایران بسیاری از فعالان سیاسی و دانشجویی شکنجه و تحت مجازات و رفتاری ظالمانه و غیر انسانی قرار می گیرند و حتی مردم عادی نیز از رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز بی نصیب نبوده اند که از این میان می توان به موارد ذیل اشاره نمود: شکنجه های سخت و طاقت فرسا برای گرفتن اقرار، تحقیر و فحاشی و توهین به بازداشت شدگان، ضرب و شتم و بستن به تخت برای شلاق زدن، بی خوابی های مداوم و طولانی مدت به صورت نشسته و ایستاده، بردن پای چوبه اعدام برای ایجاد فشار روانی و ... نمونه هایی است از رفتار بازجویان و شکنجه گران در زندانهای نامعلوم و فاقد نظارت عمومی که نامه برخی از آنها از جمله علی افشاری، احمد باطبی، عزت اله سجایی، محمد ملکی، امیرفرشاد ابراهیمی، علیرضا جباری و فرج سرکوهی گواه و مستند بسیاری از این واقعیات است و تازه این فقط نامه کسانی است که به دلیل شهرت و بی واهمه از عواقب آن منتشر شده است و گر نه بسیاری از دانشجویان و افراد مظلوم و بی پناه که با ناامیدی از استیفای حقوق شان، بغضشان را در گلو فرو خورده اند و دم بر نیاورده اند و کمتر عضوی از تشکل دفتر تحکیم وحدت می باشد که مورد شکنجه یا آزار و اذیت و رفتاری ظالمانه و غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار نگرفته باشد. همچنین میتوان به فیلم بازجویی از متهمان قتلهای زنجره ای نیز اشاره کرد که نشان میداد بازجویان برای اثبات حرفشان و گرفتن اعترافات مورد نظرشان حتی با وابستگیان و مزدوران خود به چه روشهای غیر انسانی متوسل می شدند...»

نامه سپس با اشاره به ساختار قرون وسطایی حاکمیت مملکت و مافیای قدرت در شمایل ولایت فقیه که تمامی ابزارهای واقعی قدرت را در انحصار خود درآورده است به درستی اشاره می کند که: «اداره کشور ما در حال حاضر به استناد رایبی که ملت در سال ۱۳۵۸ داده اند صورت می پذیرد. اجازه تعیین سرنوشت و تعیین نظام حاکم مورد خواست ملت جز از طریق مجوز و تایید حاکمیت و به دست حاکمیت ممکن نیست. تنها کسانی حق انتخاب شدن توسط مردم را به عنوان نمایندگان ملت دارند که از سوی حاکمیت تایید شده باشند و از صدها فیلتر رسمی و غیر رسمی صلاحیت شان مورد پذیرش واقع شده باشد. در ایران برای اثبات حقانیت و شایستگی یک فرد جهت انتخاب شدن اصل بر عدم براءت و گناهکار بودن است و جالب اینجاست که افرادی هم که پس از عبور از این همه فیلتر از سوی حکومت تایید شده و اجازه انتخاب شدن مییابند پس از کسب رای ملت عملاً فاقد ابزارهای لازم قدرت جهت اعمال حق حاکمیت ملت و تعیین سرنوشت میباشند. در ایران وجود پارلمان چیزی جز یک ژست دموکراتیک برای نمایش دادن نیست چرا که کوچکترین تصمیم و رای پارلمان که بنا باشد قوانین و روشهای ظالمانه حاکمیت را به چالش بکشاند با وتوی اعضای غیرانتخابی و منتصب حاکمیت مطلقه مواجه شده و عملاً راه به جایی نمی

جنابعالی می نویسیم تا ضمن بازگویی موارد نقض مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران توسط حاکمیت ایران، از سازمان ملل متحد تقاضای رسیدگی نمائیم. عالیجناب کوفی عنان شکایت به شما آورده ایم بدان دلیل که آپارتاید سیاسی امان از ملت ایران بریده است، بدان دلیل که حق حاکمیت بر سرنوشت را از ما ستانده اند، بدان دلیل که زیستن مان را تا سر حد رفع نیازهای اولیه تنزل داده اند و بدان دلیل که در این وانفسای تاریخ از تکرار تجربه همسایگان مان می هراسیم، می هراسیم از تکرار فجایع انسانی که خودکامگان در فرودهای تاریخ برای حفظ اقتدار خویش بدان دست می آویزند. ما در کشوری زندگی می کنیم که هر فرد چه در حوزه شخصی و چه در حوزه اجتماعی در تماس مستقیم و همیشگی با دستگاه عظیم و حجیم حکومتی است و متاسفانه از آنجا که ساختار حکومت متصلب و غیر پاسخگو است و از آنجا که اقتدار خویش را در حفظ وضع موجود می بیند هم نقدهای منصفانه و انزراهای دلسوزانه راه به جایی نمی برند و هم تلاش شهروندان برای بهتر شدن وضع موجود موثر واقع نمی گردد. آزادی بیان، آزادی ابراز عقیده، آزادی تشکیل تشکل ها، انجمن ها و سندیکاها، آزادی برگزاری تجمعات و میتینگ ها، آزادی در انتخاب دین و اجرای آئین ها، حق بهره مندی از رسانه ها، حقوق زنان، حق انتخاب نوع و نحوه پوشش، حق مصونیت حوزه شخصی از اقتدار دولتی، حق برخورداری از دادگاههای منصفانه و... که همگی منبعث از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر است و دولت ایران آن را امضاء نموده که متاسفانه نه تنها خود را ملزم به پایبندی و اجرای آن نمی کند که به گونه ای آن را نقض می نماید که گویی هیچ تعهدی بدان نداشته است...جناب آقای کوفی عنان سال هاست که آپارتاید سیاسی و اجتماعی منتج از برداشتهای ناروا از دین و مذهب خودی ها را از غیر خودی ها، هم اندیشان را از دگر اندیشان، انقلابی ها را از غیر انقلابی ها و نهایتاً شهروندان درجه یک را از شهروندان درجه دو جدا نموده و حق دستیابی به مواهب اجتماعی (قدرت، ثروت، منزلت و اطلاعات) را جز از طریق وابستگی به حاکمیت موجود ناممکن ساخته است. در حالی که طبق مواد و اعلامیه جهانی حقوق بشر «تمام افرادبشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند، همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادرانه رفتار کنند» و «هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی به ویژه از حیث نژاد، رنگ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین منشا ملی و اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر وضعیت دیگر از تمام حقوق و آزادیهای ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد و نباید هیچ تبعیضی مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی و بین المللی کشور یا سرزمینی که به آن تعلق دارد بعمل آید». نامه در ادامه می افزاید: «جناب آقای کوفی عنان طبق ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». اما در کشور ما قتل ها و جنایات بسیاری در طول سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ با انگیزه حذف افراد به واسطه عقایدشان صورت گرفته که در آنها حاکمیت یا اقل بخشهایی از حاکمیت به طور مستقیم دخالت داشته اند...افراد مشهور و بسیاری از افراد غیر صاحب نام در سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ بخصوص در پائیز سال ۱۳۷۷ توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت و همچنین اعداهای بی محاکمه و بدون اثبات جرم تعداد زیادی از مخالفین حکومت ایران در سالهای دهه ۶۰ و بخصوص در سال ۱۳۶۷ مصادیق بارز نقض این ماده (ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر) می باشند که حق زندگی افراد به راحتی از سوی حاکمیت یا نیروهای وابسته و منتصب به حاکمیت

ادامه مصاحبه با رفیق سلام علی ...

و دارد. حزب ما آشکارا مواضع اتخاذی بعضی از این نیروها را که ناشی از تنگ نظری سیاسی و محاسبات اشتباه آنهاست و مانع ایجاد همکاری ائتلافی بر اساس برنامه های عملی و واضح میهنی می شود، مورد انتقاد قرار داده است. حزب کمونیست عراق در این رابطه از کلیه نیروهای میهن دوست برای یک گردهمایی اضطراری دعوت کرده تا این مسائل جدی را حل و موضع واحدی اتخاذ کنند. نقطه دلگرم کننده یی که باید بدان توجه کرد این است که کلیه نیروهای اصلی در طیف گروههای سیاسی عراق در مورد برقرار کردن حکومت چند حزبی بر پایه قانون اساسی دموکراتیک هم عقیده هستند. ولی جایگزین دموکراتیک واقعی فقط بر اساس حرکت دموکراتیک توده ای و به جنبش در آوردن مردم در تلاش برای استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی ممکن است.

سؤال: حزب کمونیست عراق از سال ۱۹۹۲ بطور علنی در کردستان فعالیت داشته است، شما از روابط سازنده و همکاری با نیروهای اصلی کرد مانند حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان برخوردار بوده اید، وضع این همکاری ها بعد از اشغال عراق و سرنگونی دیکتاتوری عراق چگونه است؟

جواب: حزب به همکاری خوب خود با حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان در همه سطوح ادامه می دهد. در برخی مسائل سیاسی اختلاف دیدگاهی داشتیم که قبل از جنگ وجود داشت و همانطور که قبلاً گفتم هر دو حزب مخالفت خود را با اشغال عراق اعلام نمودند و از یک راه حل دموکراتیک حمایت کردند. ما یک هدف عمومی داریم و آن یک عراق فدرال و دموکراتیک است که کردها هم از فدرالی بودن کشور بهره مند خواهند شد. حزب کمونیست کردستان-عراق نقش فعال خود را در زندگی سیاسی منطقه ادامه خواهد داد.

سؤال: نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران در کل و حزب توده ایران به طور مشخص همیشه روابط نزدیک و برادرانه ای با حزب کمونیست عراق داشته است، راه های عملی گسترش همبستگی با شما و زحمتکشان عراق را چگونه می بینید؟

جواب: با غرور و سپاس عمیق از حمایت های انترناسیونالیستی و همبستگی وسیع، اصولی و برادرانه حزب توده ایران در طول شرایط سخت دهه گذشته در کارزار خونین سرکوب در حکومت فاشیستی و دیکتاتوری صدام تشکر می کنیم. در این مرحله جدید و پیچیده که کشور ما تحت اشغال است و میراث رژیم دیکتاتوری سابق، جنگها و محاصره های اقتصادی و همچنین عواقب بالقوه حاد برای کل منطقه سنگینی می کند، مجدداً ما به حمایت های سیاسی و معنوی احزاب برادر و کلیه نیروهای مترقی نیازمندیم. در شرایط کنونی مهم است که بدنال حمایت های استوار برای پشتیبانی از جنبش های دموکراتیک در حال رشد در عراق باشیم، این امر مستلزم برخورداری از روابط جا افتاده و انتقال تجربیات مفید میان دو حزب برادر است.

سؤال: فعالیتها و سیاستهای نیروهای اشغالگر آمریکایی-انگلیسی را در عراق چگونه توصیف می کنید؟ نگرانی عظیمی از امکان طولانی شدن اشغال و ایجاد پایگاه های نظامی-اقتصادی در عراق به وجود آمده است، چگونه می توان آن را رفع کرد؟

جواب: اهداف واقعی جنگ آمریکا بر ضد عراق و اشغال آن کاملاً آشکار است که بخشی از دکنترین جدید-حمله پیش گیرانه-آمریکا است که به منظور تحمیل، تسلط و یک قطبی کردن کامل در منطقه و در جهان است و در نتیجه خطر واقعی اینجاست که با وجود ادعاها و تضمین مقابل، اشغالگران طرح هایی برای حضور طولانی مدت نظامی و بهره برداری عظیم از منابع نفتی و غیره را دارند که برضد منافع ملی مردم ما و حقوق قانونی آنها برای استقلال و صلح و پایداری است.

حزب ما مخالفت خود را با اشغالگران و حاکمان نظامی، مشخص اعلام کرده است و تمامی گروه های سیاسی عمده عراق در حال حاضر مخالفت سیاسی خود را بر ضد اشغالگران اعلام کرده اند. در این رابطه یکی از وظایف دولت انتقالی-ائتلافی که باید اختیارات کامل خود را به کار گیرد این است که مذاکراتی در تسریع روند خاتمه اشغال توسط آمریکا و انگلیس در همکاری با سازمان ملل متحد انجام دهد. حفظ اتحاد ملی عامل حیاتی و مهم در پایان دادن به حمایت های بین المللی برای پایان دادن به این اشغال است. اما اشاره به این نکته هم مهم است که، حمایت از حقوق مسلم مردم عراق برای تعیین سرنوشت خود امری حیاتی برای رسیدن به این هدف قانونی است. همبستگی فعال توسط جنبش های صلح طلبانه در تمام جهان امری بسیار مهم برای این خواست است.

سؤال: شما سیاست های اصلی گروه های سیاسی مانند حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق، گنگره ملی عراق، «شورای عالی انقلاب اسلامی عراق» و دیگران را در وضعیت فعلی عراق چگونه توصیف می کنید؟ چه نیروهای مؤثر دیگری در عراق وجود دارند؟ کدام یک از این نیروها با شما همکاری و روابط نزدیک دارند؟ دولت مترقی که شامل اتحاد نیروهای فوق باشد چه دور نمایی دارد؟

جواب: با وجودی که قبل از جنگ در مورد حمایت از جنگ به عنوان عامل عمده در جهت تغییر رژیم با برخی از احزاب مثلاً اتحادیه میهنی کردستان و «شورای عالی انقلاب اسلامی عراق» اختلافاتی داشتیم. ولی بعد از اتمام جنگ می توان گفت که همدلی و همراهی بین ما وجود داشته است، این توافق عام شامل حزب الدعوة، حزب اسلامی، گروه های دموکراتیک مستقل، جنبش سوسیالیست عرب و گروه های دیگر هم بوده است. اما توسط نیروهای اشغالگر، روی بعضی از این گروهها فشارهایی بود تا طرح جایگزین آنها مبنی بر «شورای سیاسی» فقط با قدرت مشاوره ای و نیز «جلسه تصویب قانون اساسی» که قانون اساسی را تصویب کند، قبول نمایند. در مقابل این اعمال فشارها مقاومت انجام گرفت.

در هر حال این نقطه ضعف اساسی وجود دارد که باید به طور جدی با آن مقابله کرد و آن نبود یک رهبری میهنی متحد است که اهداف و منافع مردم عراق را نمایندگی کند و آنها را در جهت نبرد قطعی و اصلی به حرکت

ادامه حمایت از خواست های اقتصادی ...

در چند هفته اخیر، به موازات ناآرامی در مراکز آموزشی و دانشگاه های کشور، مدافعان ذوب در ولایت، بار دیگر به شیوه کهنه و شناخته شده خود به فریب اندیشه همگانی، یعنی اشک تمساح ریختن برای مطالبات اقتصادی و فقر و سیه روزی مردم، متوسل شدند. در این خصوص همه بلندگوهای واپس گرایان به کار افتاد. نمایندگان ارتجاع در مجلس در سخنرانی های پر آب و تاب خود، بر لزوم حل مسایل اقتصادی و رسیدگی به معضلات معیشتی آن هم به فوریت تاکید کردند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی که، همواره با هدفی معین، میزان نرخ تورم را پایین تر از حد واقعی اعلام می دارد، به دست و پا افتاده و میزان نرخ تورم را بیش از ۱۵ درصد ارزیابی کرد! از دیگر سو دیوان عدالت اداری در اقدامی ضربتی بخشنامه های ۲ وزارتخانه را درباره گرانی های اخیر باطل کرد؛ و به وزیر راه و ترابری برای توضیح علت گرانی و افزایش نرخ بلیت هواپیما مهلت داد. طی نشستی، هیات عمومی دیوان عدالت اداری در حضور وزرای راه و ترابری، نیرو و پست و تلگراف و تلفن، تشکیل جلسه داد و در آن بخشنامه وزیر نیرو مبنی بر افزایش هزینه آب و فاضلاب را باطل کرد. همچنین افزایش هزینه پستی از ۱۰ درصد موضوع ماده ۵ قانون برنامه پنج ساله توسعه را خارج از حدود تشخیص داده، رای به ابطال آن داد.

در پی این اقدامات، رمضان زاده، سخنگوی دولت در کنفرانس هفتگی خود خاطر نشان ساخت که؛ بر اساس مصوبه هیات وزیران ستاد بررسی و کنترل قیمت ها می تواند در خصوص تایید و یا کاهش قیمت تمامی کالاها و خدمات دولتی که، از ابتدای امسال قیمت گذاری شده است، تصمیمات مقتضی اتخاذ کند. وی تصریح کرد، تصمیماتی که از سوی ستاد مذکور اتخاذ می شود برای تمامی دستگاه های اجرایی و شرکتهای دولتی لازم الاجرا است.

اما مهمتر از همه این موضع گیری ها، سخنان علی خامنه ای در خصوص مسایل اقتصادی بود که، مطبوعات وابسته به ارتجاع و صدا و سیما به شکلی گسترده به تبلیغ آن پرداختند. خامنه ای در دیدار با جمعی از صنعتگران و معدنکاران و مدیران صنعت و معدن در بخش های دولتی و خصوصی، سخنانی را بر زبان راند که نشان می دهد تاریخ اندیشانه حاکم، نه تنها در فکر حل معضلات اقتصادی جامعه نیستند، بلکه فقط و فقط در صدد فریبکاری و تقویت موضع و موقعیت حکومتی خود هستند. ولی فقیه در این سخنان از جمله گفت: «ایجاد محیطی امن و مطمئن برای فعالیت سرمایه گذاران... به پیشرفت کشور و اعتلای اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک می کند... جذب سرمایه گذاری خارجی نیز برای پیشرفت کشور ضروری است...» وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: عامل مهم تشویق سرمایه گذاران خارجی به فعالیت در ایران این است که، آنها احساس کنند در محیطی امن کار می کنند، و با اطمینان و آسودگی خاطر به فعالیت مشغول شوند. ضمن اینکه بی ثبات جلوه دادن کشور قطعاً به ضرر جذب سرمایه گذاری خارجی

است، یکی از مهمترین نکات سخنان خامنه ای علاوه بر برنامه جذب و جلب سرمایه خارجی، تاکید بر امر خصوصی سازی بود. او در این باره با صراحت گفت: بخش خصوصی می تواند در همه زمینه های تولیدی فعالیت کند و باید این بخش (بخش خصوصی) میدان دار کار و تولید در کشور باشد. این سخنان و یا در واقع موضع گیری صریح، هیچ نکته تازه ای را در بر ندارد و صرفاً تایید دوباره آن برنامه های ضد ملی است که، اجرای آنها بحران ژرف کنونی را پدید آورده است! خامنه ای و مجموعه تاریک اندیشان در اوضاعی این مسایل را طرح می کنند که، جامعه ما با تحولات بزرگی رو به روست.

پیش از این، روزنامه جمهوری اسلامی در سر مقاله یی با عنوان نگاه حکومتی نوشته بود: «اگر این سؤال از صاحب نظران پرسیده شود که برای نظام جمهوری اسلامی مهار آشوب های اخیر مهمتر است یا مهار گرانی، آنها چه جوابی به این سؤال خواهند داد؟» و سپس می افزاید: «خطر بزرگ آنگاه متوجه یک نظام حکومتی می شود که، حکومتگران به هر دلیل از مشکلات مردم غافل شوند و سرگرم مسایل دیگر شوند... مردم اگر از مشکلات روزمره معیشتی و سایر گرفتاری ها فارغ باشند... توطئه دشمن توسط خود مردم خنثی می شود.» و یا روزنامه انتخاب که، به باندهای وابسته به رفسنجانی نزدیک است با صراحت تاکید کرده: «کارشناسان معتقدند جامعه ایران در حال حاضر به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آماده شورش های کور اجتماعی است که، می تواند مخاطرات فراوانی در پی داشته باشد... ناآرامی های اخیر با آغاز دور جدیدی از افزایش قیمت ها از سوی دولت نیز همزمان شده است. این در حالی است که بخش قابل توجهی از مردم ایران از مشکلات معیشتی رنج می برند. کارشناسان معتقدند اگر مطالبات اجتماعی و به ویژه اقتصادی مردم از طریق مسالمت آمیز و مشروع پاسخ داده نشود، هر حادثه یی می تواند مبنای ناآرامی های جدید و غیر قابل پیش بینی در آینده باشد.»

به این ترتیب تبلیغات پر سر و صدای رژیم و موضعگیری شخص خامنه ای، بیش از آنکه از سر دلسوزی و یا احساس مسئولیت باشد، ناشی از ضعف و احساس خطری است که از جانب جنبش مردمی رژیم ولایت فقیه را تهدید می کند و درست به همین منظور، ارتجاع به سرکردگی خامنه ای و رفسنجانی در پی انحراف جنبش و سرکوب و خنثی نمودن آن است! پیش کشیدن به اصطلاح مطالبات اقتصادی مردم و سینه چاک دادن برای آن از سوی سیاه ترین و واپس مانده ترین جناح های حکومتی معنایی جز این ندارد. اما در این باره که، مشکلات اقتصادی و بطور کلی بحران، نفس مردم به ویژه طبقه کارگر، سایر زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه را بریده است. جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست، اما چیزی که رژیم آن را پنهان می سازد علت و یا علت العلل این بحران ژرف و مزمن است.

ما بارها تاکید کرده ایم، علت بحران کنونی را باید در اجرای برنامه های اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه جستجو کرد که، از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته شده است. دلیل گرانی هر ساله و از آن جمله امسال اجرای برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی است که بر پایه نو لیبرالیسم اقتصادی تدوین گردیده. بر پایه ماده ۱۱ قانون سومین برنامه پنج ساله توسعه، هر ساله (دقت کنید هر ساله)، ۱۰ درصد بر بهای کالاها و خدمات افزوده می شود و از آنجا که شیرازه اقتصادی کشور از هم گسیخته است و مشتی دلال سر رشته امور را با کمک بازاریان در دست دارند، این گرانی ۱۰ درصدی بصورت غده یی سرطانی، منجر به افزایش های ۲۰ تا ۳۰

ادامه حمایت از خواست های اقتصادی ...

و گاه ۵۰ درصدی می شود. آنچه امسال میزان گرانی را بیش از سال های گذشته جلوه گر ساخت، بخشنامه ها و دستوراتی بود که از سوی برخی وزارتخانه ها، نهادها و ارگانها از جمله بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد خمینی و نیز تجار واردکننده کالا صادر شد که قیمت کالاها و خدمات را علاوه بر ۱۰ درصد سالیانه، افزایش می داد. همه این گونه اقدامات سبب گردید که به طور مثال نرخ بنزین نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد، گاز مایع ۱۹ درصد، قند و شکر ۲۵ درصد، نان ۱۷ درصد، شیر و فرآورده های شیری ۱۵ درصد، حبوبات ۲۰ درصد، نرخ مسکن ۳۰ درصد، کرایه تاکسی ۴۰ درصد و اجاره مسکن ۴۵ درصد افزایش پیدا کند. این افزایش چند برابر نیز خودسرانه نبود، زیرا بر پایه برنامه یکسان سازی نرخ ارز، آزاد سازی تجاری، و تقویت خصوصی سازی، صورت پذیرفت، یعنی در چارچوب همان برنامه های اقتصادی ارایه شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول.

مقابله با بحران اقتصادی، مهار تورم و گرانی، با تشکیل ستاد در دولت و موعظه و منبر رفتن و بخشنامه و دست به دامان دیوان عدالت اداری شدن و جز اینها امکان پذیر نیست. به همین دلیل است که قاطعانه باید گفت که سخنان خامنه ای، جز مثنی عبارات و جملات عوام فریبانه چیز دیگری تلقی نمی شود. خامنه ای از سیاست هایی با حرارت حمایت می کند و به عنوان نسخه شفا ارایه می دهد که اتفاقاً اجرای آنها همان گونه که مد نظر ولی فقیه است، سبب بحران و معضلات کنونی شده است. البته او بر حقیقت امر اطلاع کافی دارد. خامنه ای کسی است که، دست در دست رفسنجانی پس از پایان جنگ خائنانه سوز هشت ساله با عراق، مبتکر و حامی اجرای دستورات صندوق بین المللی پول در ایران بوده است.

کلیه سیاست های کلان اقتصادی طی تمام این سالیان با تایید و تشویق ولی فقیه همراه بوده از جمله سیاست تعدیل اقتصادی و برنامه های گوناگون توسعه اقتصادی. سخنان اخیر وی نیز خود اعترافی دوباره به این امر است.

نکته بسیار مهم در این میان، روشی است که، ارتجاع در لحظه کنونی از آن سود می برد. یعنی موج حملات به سیاستهای اقتصادی دولت و ناتوان خواندن دولت خاتمی و مجلس در حل معضلات اقتصادی و معیشتی مردم. در حالی که ارتجاع حاکم خود از هواداران جدی اجرای این سیاستهاست! مگر سخنان اخیر خامنه ای، بیان این واقعیت قلمداد نمی شود؟! نا توانی و بی عملی دولت خاتمی درست در این نکته نهفته است که، بر خلاف خواست توده های میلیونی مردم، کسانی که دم از اصلاحات و قانون گرایی می زنند، برنامه های اقتصادی رفسنجانی خامنه ای و بطور کلی ارتجاع را ادامه داده و اجرا کردند.

موج حملات برضد گرانی و فریاد و فغان ارتجاع برای به اصطلاح تامین خواست های به حق معیشتی مردم، پوششی است که، برای اهداف سیاسی به سود کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به ویژه سرمایه داری فاسد و واپس مانده تجاری ایران بکار گرفته می شود. باید این ترفند را خنثی و جنبش مردمی را در برابر آن تجهیز کرد!

ادامه نامه افشاگرانه دفتر تحکیم وحدت ...

برد. کدام کشور دنیا (که واقعاً نظام پارلمانی در آن حاکم می باشد) سراغ دارید که در آن نمایندگان مجلس برای استیفای حقوق ملت از حاکمیت، دست به تحصن و اعتصاب زنند؟ رئیس جمهور کشور در ایران دوبار پیاپی در این شش سال اخیر منتخب بیش از ۲۰ میلیون نفر ایرانی می باشد اختیارات عملی اش به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و حقوق بشر بنا به گفته خود ایشان از یک فرد عادی نیز کمتر است و لذا عملاً ریاست جمهور ملت تنها مقامی تشریفاتی می باشد که فقط در مواردی که حاکمیت مطلقه را به چالش نیفکند اجازه فعالیت دارد. در این شرایط از حق تعیین سرنوشت ملت برای ملت چه باقی می ماند؟ ... جناب آقای کوفی عنان اکنون که نظم و دادخواهی پیش شما آورده ایم، اکنون که خاطرات تلخ سالیان گذشته را به تکرار نشستیم و اکنون که رشد آزادانه و همه جانبه خویش را ناممکن دیده ایم جای این سوال نیست که از وظیفه خویش نسبت به جامعه خویش پرسیم و حقوق شهروندی خود را از نو بازتعریف نماییم. .. متأسفیم که حقوق و آزادیهای اساسی و مقتضیات عادلانه، اخلاقی و نظم و رفاه عمومی در جامعه ما زیر پا گذاشته می شود و نصایح دلسوزانه و نقدهای مشفقانه روشنفکران و اصلاح طلبان نیز راه به جایی نمیبرند. جناب آقای کوفی عنان این روزها که می گذرند روزگار سیاهی و تباهی قوم جان باخته ای است که خبر از فردایی روشن می جویند. فردایی که سرنوشتشان را خود رقم زند و زمام امورشان را خود در دست گیرند، بیداد برگیرند و عطوفت عرضه کنند و آزادی و دموکراسی را در سرزمین کهنسالشان نهادینه بینند. بیدادشان را داد ستانید، نه شاید وقتی دیگر که امروز که مظلومانه به شما پناه آورده اند و به انتظار نشسته اند تا از فجایع انسانی و تراژدی یک پیشگیری شود و سایه صلح و آزادی، دموکراسی و حقوق بشر بر این مرز و بوم مستدام گردد.»

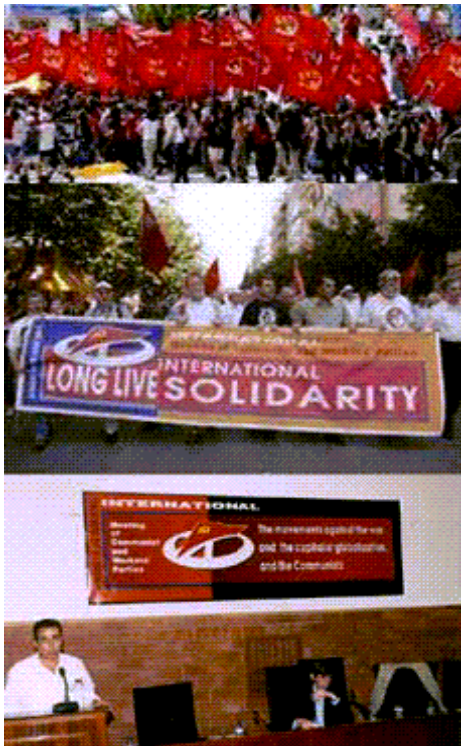
نامه دفتر تحکیم وحدت سند محکمی در محکومیت رژیم استبدادی و ظالم است که دهه هاست حقوق شهروندان خود را به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته است. نامه دفتر تحکیم وحدت به درستی برای نخستین بار به کشتار هزاران زندانی سیاسی، در سال ۱۳۶۷ اشاره می کند که در آن جمعی از روشنفکران، فرهیختگان، نجیبگان، رهبران جنبش دانشجویی و قهرمانان زندان های ستم شاهی، از جمله صدها تن از اعضاء و هواداران و رهبران حزب توده ایران به وحشیانه ترین شکل ممکن به جوخه های مرگ سپرده شدند.

نامه دفتر تحکیم وحدت بیان روشن این حقیقت است که در چارچوب ادامه رژیم ولایت فقیه تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و بنیادین امکان پذیر نیست. مواضع نامه دفتر تحکیم وحدت بیان روشن نظرات و خواست های طیف وسیعی از نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک مین ماست که سال هاست بر آن پا فشرده اند و در راه تحقق این آرمان ها، یعنی تحقق آزادی ها و حقوق دموکراتیک شهروندان رزمیده اند.

آزادی برای همه زندانیان

سیاسی ایران!

شرکت حزب توده ایران در اجلاس جهانی احزاب کمونیست و کارگری



از بالا به پایین: تظاهرات و راه پیمایی ده ها هزار نفری بر ضد سران کشورهای گروه ۸ که نماینده حزب از جمله سخنرانان اصلی آن بود. عکس پایین نماینده حزب کمونیست کوبا در حال سخنرانی در کنفرانس

* شرایط حساس منطقه خاورمیانه و تهدیدات امپریالیسم آمریکا بر ضد ایران مورد توجه خاص کنفرانس قرار گرفت.
* بیانیه نهایی کنفرانس، مخالفت کمونیست های جهان با سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در رابطه با ایران را بیان کرد.
کنفرانس همچنین قطعنامه جداگانه ای در حمایت از مبارزه مردم ایران و بخصوص مبارزه دانشجویان برای دموکراسی به تصویب رساند.

* نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران از سخنرانان گردهمایی باشکوه شرکت کنندگان در تظاهرات بر ضد سیاست های اتحادیه اروپا در شهر تسالونیک یونان بود.
* در طول کنفرانس نمایندگان رسانه های گروهی یونان و ایتالیا با نماینده حزب مصاحبه کردند.

به دعوت حزب کمونیست یونان، هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس جهانی احزاب کمونیست- کارگری جهان در روزهای ۲۹ تا ۳۰ خرداد (۱۹-۲۰ ژوئن) که در آتن برگزار شد، شرکت کرد.

کنفرانس امسال که در شرایط ویژه جهان و منطقه خاورمیانه در فاصله کوتاهی از حمله نظامی ایالات متحده و متحدان آن به عراق انجام می گرفت، به دلیل نوع سؤال هایی که در دستور کار و وظایفی که در مقابل آن قرار داشت، اهمیت ویژه ای یافته است. احزاب کمونیست از پنج قاره جهان در این اجلاس با اهمیت شرکت داشتند. کنفرانس با سخنرانی رفیق آلکا پاپاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان، میزبان اجلاس، با برجسته نمودن سهم احزاب کمونیست در سراسر جهان در کارزار علیه جنگ تجاوزگرانه و اشغال عراق آغاز گردید. رفیق پاپاریگا در سخنرانی خود ضمن بر شمردن فعالیت های ضد جنگ کمونیست های جهان به «ابتکار مهم» حزب توده ایران در تدارک بیانیه مشترک ۳۴ حزب کمونیست جهان در سالگرد جنگ خانمان سوز هشت ساله ایران-عراق در رابطه با تهدید ماجراجویی نظامی جدید امپریالیسم آمریکا، به مثابه اولین ابتکار عملی اشاره کرد. رفیق پاپاریگا خاطر نشان کرد که جنبش جهانی ضد جنگ در حالی که از یکسو سعی بر حمایت از قوانین بین المللی را داشت، از سوی دیگر مخالفت خود با «تهاجم و بربریت امپریالیستی» را با و یا بدون قطعنامه سازمان ملل به نمایش گذاشت.

او اشاره کرد که دولت های فرانسه، آلمان و روسیه فقط در دفاع از منافع خودشان با جنگ مخالفت کردند. فرانسه و آلمان در قبل از این جنگ با بمباران یوگسلاوی بدون قطعنامه سازمان ملل موافقت کرده بودند. رفیق رائد فهمیم، نماینده حزب کمونیست عراق، در سخنرانی خود خاطر نشان کرد که هدف جنگ بر ضد عراق بسیار فراتر از هدف بلاواسطه کنترل عراق می باشد. « این بخشی از استراتژی برای ایجاد تغییرات سیاسی- اقتصادی در تمامی خاورمیانه بر اساس منافع امپریالیسم آمریکا در درجه اول و سرمایه بین المللی در مرحله بعد است. .. تجربه تلخ نشان داده است که رابطه متقابل تنگاتنگی بین مبارزه بر ضد امپریالیسم و جنگ از یک سو و بر ضد دیکتاتوری و برای آزادی

و دموکراسی از سوی دیگر وجود دارد.» رفیق فهمیم گفت که کمونیست های عراقی « این ادعا را که جنگ و اشغال خارجی می تواند ارمغان آورنده دموکراسی باشد» مردود می شمارند.

رفیق ایسام مخول، دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل، اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل را به مثابه «منبع و منشاء اصلی خشونت و درگیری های خونین» در دو کشور مورد توجه قرار داد. او مطرح کرد که «در برنامه شارون هیچ جایی برای یک دولت مستقل و ماندنی (قابل دوام) که در صلح با اسرائیل همزیستی داشته باشد، وجود ندارد.» رفیق مخول که عضو پارلمان اسرائیل است خواستار برکناری رژیم شارون به عنوان مانع قاطع در مسیر صلح عادلانه شد و از قهرمانان و شهدای جنبش همبستگی بین المللی در فلسطین اشغالی ستایش کرد.

تهدید و خطر جهانی شدن، از سوی بسیاری از سخنگویان در کنفرانس احزاب کمونیست- کارگری مورد توجه ویژه قرار گرفت. آن ها متذکر شدند که این فرایندی مجرد و یا تخیلی و ساختگی است، بلکه یک استراتژی آگاهانه است که توسط ثروتمندترین

ادامه شرکت نماینده حزب توده ایران ...

کشورهای جهان و در خدمت انحصارات سرمایه داری هدایت می شود. رفیق سیتارام بیجوری، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست هند (مارکسیست) با اشاره به تعریف مارکس در کتاب سرمایه در گرایش سرمایه داری به زیرپا گذاردن تمامی قوانین و حقوق بشر در جستجوی سود بیشتر متذکر شد که «روند جهانی شدن خود تشدید کننده گرایش های جنگ و تجاوز است.» وسعت گیری تجاوزات امپریالیستی توسط ایالات متحده و نقض خشن و صریح منشور سازمان ملل و توافق نامه های نورنبرگ از سوی بسیاری از نمایندگان احزاب حاضر مورد انتقاد شدید و تقبیح قرار گرفت. آن ها خاطر نشان می کردند که این مساله عملاً بحران سازمان ملل در رابطه با نقش آن برای تضمین حل صلح آمیز اختلافات بین کشورهای عضو را عمیق تر کرده است. نمایندگان احزاب کمونیست از کشورهای اروپا همچنین نقش اتحادیه اروپا را در ارتقاء جهانی شدن سرمایه داری مورد توجه ویژه قرار دادند و نسبت به روند متمرکز شدن ساختار های تصمیم گیری سیاسی - اقتصادی و امنیتی - نظامی آن و رشد نظامی گری در این قطب جهان سرمایه داری اعلام خطر کردند.

در سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن اشاره به مشخصه های جهانی شدن سرمایه داری و نتایج آن در جهان به جنگ و نظامی گری، به مثابه یک پیامد طبیعی سیستم سرمایه داری توجه داده شد. نماینده حزب در بخشی از سخنان خود به رابطه بحران عمیق اقتصاد های سرمایه داری و رشد نظامی گری اشاره کرد و لزوم افشاء گری در این رابطه را وظیفه کمونیست ها دانست. بخش ویژه یی از سخنرانی نماینده حزب مان به وظایف کمونیست ها در درک و تدقیق نقاط قدرت و ضعف جنبش های مخالف جهانی شدن سرمایه داری و جنگ اختصاص داشت. بخش پایانی سخنرانی با توضیح تحلیل حزب توده ایران در رابطه با تحولات اخیر میهن مان و از جمله بحران سیاسی حاکمیت و تظاهرات اعتراضی دانشجویان و تهدیدات مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا، و موضع گیری های مشخص حزب مان در تقبیح آن اختصاص داشت.

نمایندگان احزاب حاضر در کنفرانس توجه خاصی نسبت به تحولات ایران و تحلیل های حزب توده ایران در این رابطه داشتند. در ملاقات های دوجانبه و چند جانبه نماینده حزبمان جنبه های اصلی این تحلیل ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین در جریان کنفرانس نمایندگان رسانه های گروهی یونان در رابطه با تحولات کنونی میهن مصاحبه هایی با نماینده کمیته مرکزی حزب مان انجام دادند.

کنفرانس احزاب کمونیست - کارگری جهان در

کنار بحث در رابطه با بیانیه نهایی، سه قطعنامه جداگانه در رابطه با تهدیدات امپریالیسم آمریکا بر ضد کوبا، جمهوری خلق کره و ایران به تصویب رسانید. بخش نهایی کنفرانس به بحث و بررسی در رابطه با نحوه ارتقاء سطح همکاری ها و هماهنگی فعالیت بین احزاب کمونیست - کارگری، و ادامه کنفرانس های سالانه احزاب برادر اختصاص داشت.

در روز پس از کنفرانس به ابتکار رهبری حزب کمونیست یونان نمایندگان احزاب کمونیست - کارگری در تظاهرات باشکوه صدهزار نفری جنبش کارگری یونان و نیروهای مترقی کشورهای اروپا که همزمان با اجلاس سران اروپا در تسالونیک برگزار شد، شرکت کرد. با توجه به مطرح بودن تحولات ایران در افکار عمومی جهان به دعوت کمیته برگزار کننده این تظاهرات باشکوه، نماینده حزب توده ایران از سخنرانان گردهمایی نهایی تظاهرات در میدان «آرستاتول» در مرکز تسالونیک بود. نماینده حزب مان در سخنان خود ضمن تشکر از دعوت کمیته برگزار کننده و همچنین همبستگی حزب کمونیست یونان با مبارزات مردم کشورمان ضمن توضیح لزوم همبستگی با مبارزات دانشجویان ایران در طلب دموکراسی و حقوق بشر به تهدید های ایالات متحده و این حقیقت که این سیاست ماجراجویانه عملاً دست نیروهای ارتجاعی در سرکوب مبارزات مردم را باز کرده است، متذکر شد که ایالات متحده هیچ حقی به دخالت در تحولات سیاسی میهن مان و یا سعی در مطرح کردن و میدان دادن به نیروهای سیاسی ورشکسته وابسته به خود را ندارد. سخنرانی با تاکید بر لزوم همبستگی فعال بین المللی و در میان ابراز احساسات حضار که هزاران جوان کمونیست یونانی در میان آنان بودند، پایان یافت.

نکته هایی از بیانیه نهایی کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و

کارگری، آتن، یونان ۲۹ - ۳۰ خرداد (۱۹-۲۰ ژوئن ۲۰۰۳)

در خاتمه بحث های دوازده روزه احزاب کمونیستی کارگری از پنج قاره جهان بیانیه مطبوعاتی نهایی اجلاس «کمونیست ها و جنبش های ضد جنگ و جهانی شدن سرمایه داری» که از سوی میزبان کنفرانس، حزب کمونیست یونان، تدوین شده بود، پس از بحث و اصلاح و تدقیق به تصویب رسید. در ادامه نکات کلیدی این بیانیه جهت اطلاع خوانندگان نامه مردم گزارش می شود. در نوزدهم و بیستم ژوئن سال ۲۰۰۳، احزاب کمونیستی و کارگری جهان در اجلاسی تحت عنوان «کمونیست ها و جنبش بر ضد جنگ و جهانی شدن سرمایه داری»، در آتن پایتخت یونان شرکت کردند... و تبادل نظرات مفیدی در مورد اوضاع جهانی و تجربیات چشمگیر در رابطه با رشد مبارزات مردم و جنبش های توده ای در مخالفت با جنگ و جهانی شدن سرمایه داری انجام دادند. احزاب شرکت کننده با ارزیابی تحولات جهانی در این دوره، بخصوص بعد از مداخله نظامی آمریکا، انگلیس و استرالیا بر ضد مردم عراق و اشغال این کشور، گسترش خطرناک تهاجم امپریالیستی و نادیده گرفتن خشن اصول و مقررات قوانین جهانی را محکوم کردند. این عمل بحران سازمان ملل را عمیق تر کرده و از نقش آن در رابطه با حفاظت از صلح و حل صلح آمیز درگیری بین کشور ها کاسته است.

تعدادی از شرکت کنندگان به گرایشات و مشخصات سرمایه داری معاصر اشاره کردند که، در شرایط کنونی حملات اقتصاد نو لیبرالی تیزتر شده و منافع اکثریت طبقات زحمتکش را با عواقب جدی رو به رو می کند. این تعرضات که از طریق موسسات امپریالیستی اعمال می شود، همچنین متوجه به استعمار اقتصادی کشاندن کشورهای در حال توسعه جهان است. بسیاری از سخنرانان خاطر نشان کردند که، این تحولات نشان می دهند که همه خلق ها و جنبش های توده ای آن ها مورد تهدید جدی سرمایه انحصاری، و قدرت آمریکا به مثابه قدرت برتر، می باشند. برخی از شرکت کنندگان این نگرانی را ابراز کردند که تهاجم کنونی به تحولاتی ارتباط دارد که شباهت به گرایش های فاشیستی دارند. شرکت کنندگان نیاز به توسعه وسیع ترین و هماهنگ ترین اقدام ممکن به منظور مقابله با این وضعیت خطرناک از طریق تغییر در موازنه امروزی نیروها در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی را از طرف احزاب و جنبش های مردمی مورد تاکید قرار دادند.

ادامه در صفحه ۸

ادامه نکته هایی از بیانیه نهایی ...

از نظر شرکت کنندگان اجلاس، قطعنامه ۱۴۸۳ سازمان ملل مصوبه ۲۲ ماه مه ۲۰۰۳، در رابطه با عراق، یک پدیده بسیار منفی است. این قطعنامه این تجاوز را با توصیف تجاوزگران به مثابه «نیروهای اشغالگر» قانونیت می بخشد. قبول دکترین حملات پیش گیرنده در همین قطعنامه به عنوان امری بسیار خطرناک ارزیابی شد. این دکترین که بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط آمریکا به کار گرفته شده است، هر نیرویی را که به صورتی با هژمونی ایالات متحده مخالف باشد، تهدید می کند. همانند تهدیداتی که هم اکنون علیه سوریه و ایران انجام می گیرد و ممکن است به گسترش جنگ منجر گردد. تاکید شد که سازمان ملل می باید برطبق منشور خود و کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو مسئولیت را به دوش گیرد و امنیت زندگی مردم عراق را تضمین کند، و از ضایع شدن بیشتر حقوق انسانی در عراق توسط نیروهای اشغالگر جلوگیری کند.

تهدیدات دولت آمریکا بر ضد ایران، می تواند کل منطقه را به جنگ و نابودی بکشاند. حمله احتمالی نظامی آمریکا به ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه تمامی حرکتهای صلح طلب و مترقی و دموکرات جهان فاجعه بار خواهد بود. شرکت کنندگان اجلاس تاکید کردند که آینده ایران فقط باید توسط مردم ایران و نیروهای مترقی و دموکرات این کشور رقم بخورد و نه نیروهایی که سرنخشان در خارج است.

شرکت کنندگان همچنین در رابطه با بیانیه های ایالات متحده در مورد بکارگیری تسلیحات اتمی و نیز شتاب بخشیدن به برنامه تولید «نسل جدید» سلاح های اتمی آمریکا، تحت برنامه «دفاع موشکی سراسری» و «دفاع موشکی محدود» که در نقض پیمان منع تولید موشک های ضد بالیستیکی و خنثی کننده مصوبه های خلع تدریجی سلاح های اتمی استارت و سالت می باشند، موضع گیری کردند. این موضوع برجسته شد که نظامی کردن روابط بین المللی جنبه های خطرناک تری به خود می گیرد و تهدید درگیری های نظامی جدید به دلیل رقابت ها و مداخلات گسترش می یابند. چندین سخنران در مورد نقش تصمیمات گرفته شده در جلسه «گروه ۸» در اوضاع سیاسی جهان، و نقش اتحادیه اروپا و تصمیم آن به ایجاد نیروی نظامی مداخله گر «نیروی واکنش سریع»، و دکترین جدید ناتودر رابطه با حمله نظامی پیشگیرانه و نیز گسترش آن تاکید کردند. شرکت کنندگان روی این مساله که امپریالیسم معاصر تمامی بشریت را هدف گرفته و صلح جهانی، امنیت و ثبات جهانی در خطر است، توافق نظر داشتند.

مورد تاکید قرار گرفت که بررغم تشدید تهاجمات امپریالیستی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسئله مهم و امیدوارکننده این دوره گسترش بسیج عمومی مردم و عکس العمل آنها برضد جنگ های امپریالیستی (مورد اول آن بر ضد جنگ در افغانستان و حالا در عراق) است.

بسیاری از شرکت کنندگان عملکرد و بیانیه های امپریالیسم بر ضد کوبا و دستاورد های مردم کوبا و همچنین جمهوری خلق کره را محکوم کردند. آنها همبستگی خود با کشورهای نامبرده را اعلام کرده و درخواست کردند که اعمال خرابکارانه و تهدیدات بر ضد مردم این کشورها متوقف شود.

شرکت کنندگان حمایت خود از مبارزه مردم فلسطین را مورد

تاکید قرار دادند، و با برجسب تروریستی زدن به این مبارزات مخالفت کردند، اشغالگران اسرائیلی را تنها منشا خشونت در منطقه شمردند. راه پیمایی برای اعلام همبستگی با مبارزه عادلانه مردم فلسطین و تلاش این مردم برای کسب کشور مستقل و پایدار خود با پایتختی اورشلیم شرقی باید در سراسر جهان گسترش یابد. شرکت کنندگان حمایت خود را از نیروهای صلح دوست اسرائیل اعلام کرده و بخصوص به موج مخالفت جوانان اسرائیلی به انجام خدمت سربازی در مناطق اشغالی حتی در صورت مجازات زندان، توجه ویژه ای کردند. شرکت کنندگان ادامه اشغال اراضی سوریه و لبنان را محکوم کرده و خواستار فراخواندن نیروهای اسرائیلی و بازگشت تمامی پناهندگان بر طبق قطعنامه های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۱۹۴ مصوبه سازمان ملل شدند. شرکت کنندگان کنفرانس همبستگی خود با مردم قبرس و تلاش های آنان در جهت تامین یک راه حل فدرالی بر اساس مصوبه های سازمان ملل، و خروج نیروهای اشغالگر نظامی ترکیه و وحدت ارضی مجدد کشور قبرس اعلام و تاکید کردند که این امر در منطقه شرق مدیترانه صلح و ثبات خواهد آورد.

سخنرانان متعدد ضمن اشاره به اقداماتی که نمایشگر بیداری و روح مبارزه و مقاومت در جنبش کارگری و سندیکایی و تقویت حضور نیروهای آگاه به منافع طبقه در درون جنبش می باشد، توسعه مبارزات برای در خواست های مشخص کارگران را برحق دانسته و خواستارحمایت از آن ها شدند. نیاز به توسعه فعالیت در محیط های کاری، و تقویت نیروهای طبقاتی در جنبش اتحادیه ای و کارگری مورد تاکید قرار گرفت.

شرکت کنندگان در مورد جنبش ضد جنگ، سرمایه داری جهانی و نقش کمونیست ها در آن تبادل نظر کردند. در حالی که از یکسو توان جنبش ضد جهانی شدن سرمایه داری، درعین گوناگونی اشکال آن، افزایش یافته، از سوی دیگر برخورد های درون صفوف آن در رابطه با گرایش ها و آماج خواست های آن برجسته تر شده است.

نیاز به سیاست حمایت فعال از احزاب کمونیست و احزاب کارگری و نیز جنبش های مردمی مورد تاکید قرار گرفت. چندین سخنران نیاز به حمایت از ابتکارات انجام شده توسط برخی از احزاب کمونیستی کارگری را مورد اشاره قرار دادند. از جمله چنین ابتکاراتی به موارد زیرند:

* کارزار همبستگی با مردم کوبا، خواست آزادی پنج میهن پرست کوبائی که به علت مبارزه با گروه های تروریست مستقر در میامی در آمریکا زندانی هستند - همچنین مبارزه برای برداشتن محاصره اقتصادی آمریکا بر ضد کوبا.

* ابتکاراتی در مخالفت با طرح های باز سازی نولیبرالی اقتصاد امریکای لاتین و کشور های حوزه کارائیب.

* هماهنگ نمودن مخالفت بر ضد طرح های آمریکا و اتحادیه اروپا در جهت تحت کنترل گرفتن اقتصادهای کشورهای عرب (مغرب و مشرق)

* مبارزه با تلاش های امپریالیست ها برای استعمارمجدد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورهای «جهان سوم»

* پیوستن به ابتکارهای فعال برای هماهنگ کردن فعالیت احزاب کمونیستی - کارگری در مخالفت با جهانی شدن سرمایه داری، با توجه به افزایش روزافزون جنبش های مخالفت با سیاستهای دول امپریالیستی و شرکتهای چند ملیتی.

شرکت کنندگان نیاز به ادامه و افزایش جلسات احزاب کارگری و کمونیستی را مورد تاکید قرار دادند، همچنین نیاز به جلسات وسیع تر در سطح بین المللی و همچنین منطقه ای را در رابطه با موضوعات مورد علاقه مورد تاکید قرار دادند. تلاش برای برگزاری جلسات احزاب در رابطه با رخداد های بین المللی بزرگ به منظور حصول بررسی مشترک و جمعی و نزدیک کردن دیدگاه ها مورد توجه قرار گرفت. این چنین فرصتی در جریان «گردهمایی اجتماعی جهانی» که قرار است سال آینده (۲۰۰۴) در مومبائی در هند برگزار گردد، ایجاد خواهد شد.

ادامه مصاحبه با رفیق سلام علی ...

دموکراتیک، استقلال ملی و عدالت اجتماعی ضروری و حیاتی می باشد. در این موقعیت سیاسی ما باید خطرهای جاری را دیده و نحوه مقابله با آن را بدانیم، البته با توجه به تجربه مبارزه طولانی حزب در رژیمهای دیکتاتوری متوالی سازماندهی مناسب در این شرایط ضروری است.

سؤال: گزارشات روزانه مبنی بر درگیری ها و حمله و کشتن نیروهای امریکایی از عراق می رسد، می توانید منشاء این مقاومتها را مشخص کنید؟ نیروهای اشغالگر امریکایی انگلیسی را توضیح دهید؟

جواب: شکی نیست که برخی از این حمله ها به سربازان امریکایی توسط بقایای رژیم سرنگون شده انجام می گیرد اما برخی از آنها به دلیل دخالت بی دلیل و خشن نیروهای امریکایی در امور داخلی مردم است. افزایش این چنین عکس العمل هایی یدلیل خلاء قدرت و بحران سیاسی موجود قابل انتظار است. به دلیل کندی پیشرفت در جهت برقراری دولت انتقالی برای اداره کشور و اتمام سریع اشغال کشور، مقاومت و خشم عظیمی در بین مردم وجود دارد.

سؤال: بعد از سه دهه سرکوب و دو دهه جنگ و تخریب عراق، نیاز به کارزاری عظیم برای بازسازی دارد، چه کسی این کار را رهبری می کند؟ حزب شما در این عرصه چه برنامه ای دارد؟

جواب: بازسازی کشور به راستی وظیفه بی عظیم و وسیع است که شدیداً وابسته به روند سیاسی و ساختن دولت قانونی و دموکراتیک می باشد. اولویت باید به بازسازی خدمات پایه ای (برق و آب و ...) و ساختارهای آنها و نیز سیستم درمان و آموزش داده شود. خسارات وارده به صنعت نفت بر اثر غارت و چپاول، حدود هشتصد میلیون دلار امریکایی برآورد شده است. اقدامات اضطراری پایه ای در جهت بازسازی اقتصادی و افزایش بیکاری (۷۰ درصد) انجام پذیرد. به موازات آن، برنامه سهمیه بندی غذا زیر نظر سازمان ملل باید ادامه یابد تا از تامین نیازهای دو-سوم جمعیت عراق مطمئن گردیم. اما نگرانی های عمیقی در مورد اهداف آمریکا در بازسازی اقتصادی وجود دارد. امریکایی ها میخواهند به طرف آزاد سازی کامل اقتصادی پیش بروند؛ با نابودی بخش عمومی و در اختیار قرار دادن منابع در اختیار کمپانی های خارجی اقتصاد ملی عراق را به اقتصاد سرمایه داری جهانی پیوند دهند. این نگرانی ها بنظر می رسد با اقدامات انجام گرفته توسط امریکایی ها در واگذاری قراردادهای سود آور و کلان در بخش های اساسی و پایه ای کشور به کمپانی هایی مثل بیچتل، هالی برتون، بیشتر می شود. این قراردادها، طی ده سال آینده بیش از دهها میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. و بررغم ادعای حفظ حقوق مردم عراق، شواهد و مدارک نشان می دهد که واکنش طرح های مشخصی برای پروژه های اساسی و اقتصاد ملی عراق شامل بخش کلیدی و حیاتی نفت دارد. حزب ما همراه با سایر نیروهای سیاسی دیگر اعلام کرده اند که فقط مسئولین قانونی که توسط مردم بطور دموکراتیک انتخاب شده اند حق حل مسائل استراتژیک مانند مساله اقتصاد و بخش نفت را دارند. و این حق انکار ناپذیر مردم عراق است.

برای آزادیهای دموکراتیک و حقوق بشر و مخالفت با جنگ و دیکتاتوری، همه در بازیابی موقعیت و تاثیر خوب، نقش اساسی داشت. اما پیچیدگی شرایط حاصل از جنگ و نیز مشکلات زیادی که در برابر کشور قرار دارد سازمان حزب را ملزم نمود که مردم را بسیج نموده و مسائل حیاتی چون تامین مایحتاج زندگی و ادامه خلا قدرت را بین مردم مطرح کند. تلاش بر بازسازی دموکراسی و اتحادیه های کارگری متمرکز شده است، سازمان های زنان، جوانان، دانشجویی و دانش آموزی بعد از سالها کار مخفی فعالیت علنی خود را آغاز کردند. کارگران برای ایجاد اتحادیه های ملی کارگری آستین بالا زده و علیه گسترش بیکاری تظاهرات راه انداختند. در ماه گذشته اولین تظاهرات اعتراضی در رابطه با حقوق کارگران در کمپانی های امریکایی و چند ملیتی در بصره که توسط اتحادیه دموکراتیک کارگران سازماندهی شده بود صورت گرفت. ضمناً کمونیست ها در سازمان های جدیدالتاسیس حقوق بشر فعالانه شرکت داشته و در تلاشهای کشف آثار وحشتناک بقایای رژیم صدام کمک موثری دارند. کشف گورهای دسته جمعی که آمار مفقود شدگان سیصد هزار نفر برآورده می شود و لیست بلند زندانیان سیاسی اعدام شده که شامل صدها کمونیست که تعداد زیادی از آنها رفقای زن هستند.

حزب همچنین در احیاء و حمایت از فعالیت های مختلف فرهنگی فعال می باشد و از گروههای تئاتر و فولکلوریک بخصوص استعدادهای جوان حمایت می کند و فعالیت های احیای فرهنگی امری واجب و حیاتی برای ساختن مجدد جامعه و ترمیم زخم های آن و برقراری پایه های مناسب برای عراق دموکراتیک و آزاد ضروری است. و یک تلاش مهم دیگر برقراری کمیته های هماهنگی سیاسی محلی در بغداد و سایر شهرها است. این کمیته ها دربرگیرنده نمایندگان سازمان های مختلف سیاسی برای کمک به بسیج مردم و نمایندگی منافع آنها و نیز انعکاس درخواستهای آنها در سطح حکومت محلی است. در شهرهای بزرگ مبارزه بزرگ سیاسی با مسئولین اشغالگر در جریان است آنان حق طبیعی مردم را در انتخاب نمایندگان خود برای اداره امور محلی نادیده می گیرند. در اینجا ما به وضوح یگانگی مبارزه برای دموکراسی و استقلال و برقراری حق حاکمیت را می بینیم.

سؤال: چه خطراتی در اوضاع کنونی وجود دارد؟ شما چگونه از امنیت و ایمنی اعضاء و سازمان حزب در این شرایط پرتلاطم محافظت می کنید؟

جواب: کاملاً آشکار است که در این شرایط خطر زیاد است و دلیل آن هم خلا قدرت، عملکرد بقایای رژیم خلع ید شده و عدم امنیت است که با اعمال نیروهای امریکایی اشغالگر تشدید می شود. فقط دولت ائتلافی-انتقالی عراق می تواند شرایط را پایدار و کشور را به طرف استقلال و دموکراسی و بازسازی سوق دهد. بررغم خطرات و تهدیدها حزب باید کار سیاسی را ادامه دهد و یک جنبش عمیق دموکراتیک توده ای را بازسازی کند و این عمده ترین وظیفه حزب است.

لازمه ساختن چنین جنبشی، نه تنها مقابله با تهدیدها و خطرات چندین جانبه است، بلکه همچنین برای تامین رهبری در مبارزه مردم برای حقوق

ادامه «منشور آزادی»، جبهه واحد...

جهان.

حزب ما سپس در چهارمین کنگره خود، در بهمن ماه سال ۱۳۷۶، ضمن ارزیابی وضعیت کشور، پس از پیروزی تاریخی مردم در فروردین دوم خرداد، و توطئه های وسیع ارتجاع برای به شکست کشاندن جنبش مردمی برای اصلاحات، و ارزیابی شرایط عینی و ذهنی جامعه و جنبش به این نتیجه رسید که با توجه به ساختار حاکمیت استبداد مطلق قرون وسطایی در میهن ما، و مماشات و تسلیم طلبی نیروهای مدعی اصلاحات در درون حاکمیت، یگانه راه ادامه و بسط روند اصلاحات و تحقق خواست و آرمان های جنبش عظیم توده ها ایجاد جبهه وسیعی از همه نیروها و نیروهای سیاسی و احزاب و شخصیت های ضد استبداد و ضد دیکتاتوری حول یک برنامه مشترک حداقل برای ایجاد یک جایگزین ملی و دموکراتیک در مقابل رژیم استبدادی کنونی است. در سال گذشته اهمیت این ارزیابی و نظرات بیش از پیش مورد توجه نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی کشور قرار گرفته است. فراخوان های گوناگون در زمینه ضرورت اتحاد عمل، بیانیه های مشترک و نامه های گوناگون که به امضای صدها تن از فعالان سیاسی - اجتماعی رسیده است همگی بر بنیان این ارزیابی استوار است که وضعیت حساس کنونی اتحاد عمل همه معتقدان به آزادی، استقلال و عدالت را طلب می کند و خلاصه اینکه باید در این زمینه گام های عملی برداشت. ما ضمن استقبال از این روند کلی معتقدیم که جنبش مردمی میهن ما تا دست یابی به این مهم هنوز راه پر پیچ و خمی را در پیش دارد. نکته اساسی یی که هنوز توجه لازم به آن در این گونه بیانیه ها و اعلامیه های مشترک کمتر ملاحظه می شود این است که گردهم آمدن نیروها و شخصیت های سیاسی گوناگون تنها با مذاکره چند جانبه نیروهای سیاسی، انعطاف عمل و پرهیز از فرقه گرایی و تحمیل نظرات و در عین حال احترام متقابل به نظرات مخالف امکان پذیر است. تجربه های موفق تاریخی نشان داده است (از جمله تجربه تشکیل کنگره ملی آفریقا و سازمان آزادی بخش فلسطین و تجربه «جبهه آزادی» در ایران در سال ۱۳۲۳) که چنین جبهه هایی آن هنگام موفق بوده اند که احزاب، سازمان های سیاسی و شخصیت های اجتماعی با حفظ آرمان ها و عقاید خود و احترام به نظرات دیگران توانسته اند حول اساسی ترین معضلات و مسایل پیش روی جنبش به توافق بر سر یک برنامه حداقل مبارزاتی برسند.

نکته دیگری که در بیانیه ها و اعلامیه های گوناگون قابل توجه است پدیده سازمان گریزی است که برخورد با آن ضروری است. در حالی که در ایران چنین روندی می تواند به دلیل «غیر قانونی» بودن تمامی احزاب و سازمان های سیاسی کشور توجیه شود ولی بازتاب آن در خارج از کشور تنها نشانگر روند نگران کننده یی است که بر اساس آن افراد جایگزین احزاب و سازمان های سیاسی می شوند. اصولاً جبهه یی که متکی بر نیروهای اجتماعی و بازتاب دهنده آرمان ها و خواست های سیاسی - اجتماعی آنان نباشد نمی تواند به عنوان یک نیروی موثر در حیات سیاسی کشور نقشی ایفا کند. حزب ما در سال های اخیر بارها تأکید کرده است که تنها با سازمان دهی و وسیع نیروهای اجتماعی از جمله کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان مبارز می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کرد. بر اساس چنین درکی است که احزاب و سازمان های سیاسی با پایگاه های اجتماعی متفاوت باید نقش اساسی یی در شکل دهی چنین جبهه واحدی بر عهده داشته باشند. حضور شخصیت های منفرد سیاسی، مترقی و آزادی خواه در چنین جبهه یی می تواند به نقش بسیج گرانه جبهه کمک کند ولی همان طور که پیش تر اشاره کردیم افراد نمی توانند جایگزین احزاب، سازمان ها و نهادهای اجتماعی باشند.

وضعیت به شدت بحرانی و حساس کشور وظایف دشوار و تاریخی یی را بر دوش تک تک نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور می گذارد. حوادث هفته های اخیر کشور، از جمله حمله وسیع مزدوران ولی فقیه به دانشگاه های کشور و دستگیری هزاران مخالف، در کنار مداخلات مخرب و خطرناک نیروهای خارجی که کوچکترین علاقه یی به سرنوشت میهن و مردم ما برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ندارند در مجموع وضعیت بسیار خطرناکی را در مقابل ما قرار داده است. تشدید تلاش برای ایجاد یک جایگزین مترقی و دموکراتیک و گام برداشتن در راه ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری حول برنامه مشترکی برای تحقق حقوق بشر و دموکراسی می تواند نخستین گام در راه دشوار و طولانی مردم میهن ما برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باشد. ما بار دیگر تمامی نیروها، سازمان ها، احزاب و شخصیت های مترقی و آزادی خواه کشور را به مذاکره و دست یابی به راه حل مشترک در مقابل معضل مشترک کنونی، یعنی ادامه رژیم ولایت فقیه فرامی خوانیم.

آزادی برای بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی

بر اساس گزارش خبرگزاری ها، ۲۲۲ نفر از افراد و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی بیانیه اعتراضی درباره رویدادها و بازداشت های اخیر خطاب به سران سه قوه امضاء کردند. در این بیانیه آمده است: «همچنان که اطلاع دارید به دنبال یک سلسله ناآرامی ها، تظاهرات و اعتراضات دانشجویی طی هفته های اخیر در تهران و شهرستانها جمع کثیری از دانشجویان و فعالان سیاسی از جمله آقایان تقی رحمانی، هدی صابر، امیر طیرانی، رضا علیجانی، علی اکرمی، مهدی امینی زاده، عبدالله مؤمنی، محسن سازگارا و... که عموماً برخلاف موازین و شئون اسلامی بازداشت و به زندان منتقل شده اند. ما امضاکنندگان این نامه ضمن اعتراض به این قبیل رفتارهای خشونت آمیز از جمله حمله لباس شخصی ها به کوی دانشگاه و خوابگاههای دانشجویان شهید بهشتی و علامه طباطبایی و... همچنین حمله به دانشگاهها و خوابگاههای شهرستانهای مختلف کشور که تهدید کننده امنیت و ناقض انسانی حقوق شهروندان است خاطر نشان می سازیم که ادامه این اقدامات خود عامل مهمی در استمرار اعتراضات، افزایش خشونت و تضعیف قدرت ملی و مستمسک دخالت خارجی است.» بیانیه در انتها خواستار اقدامات عاجل زیر از سوی سران رژیم شده است:

۱- «با عنایت به موارد فوق که در نتیجه آنها بدیهیترین اصول حقوق انسانی و قانونی زیر پا گذاشته شده است، انتظار داریم نسبت به موارد ذیل اقدام عاجل به عمل آید: ۱- بازداشت غیرقانونی دانشجویان و فعالان سیاسی متوقف گردد. ۲- کلیه افراد بازداشت شده که برخلاف قانون بازداشت شده اند، آزاد شوند. ۳- در صورتی که مقامات قضایی، مستندات مبنی بر اتهامات بازداشت شدگان در اختیار دارند با تفهیم به موقع اتهامات مطابق قانون نسبت به رسیدگی اتهامات و تشکیل دادگاه علنی مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی با حضور وکیل و هیأت منصفه سریعاً اقدام شود. ۴- در این صورت بازداشت شدگان تا تشکیل دادگاه رسیدگی به اتهامات امکان ملاقات منظم و مستمر و کلا و خانواده ها با بازداشت شدگان فراهم گردد. ۵- معرفی، محاکمه و مجازات عاملان اصلی ناآرامی ها و آشوب های اخیر و حمله کنندگان به افراد که منجر به ضرب و شتم آنان گردیده است. ۶- هیأتی مرکب از نمایندگان ریاست جمهوری و مجلس با افراد بازداشت شده ملاقات و نحوه برخورد با آنان را مورد بررسی قرار دهند.» در میان امضاء کنندگان این بیانیه از جمله اسامی فرهاد بهبهانی، حبیب الله پیمان، محمد توسلی حجتی، غلامعباس توسلی، عزت الله سبحانی، خسرو سیف، عیسی سحرخیز، فریدون سبحانی، ابراهیم شاکری، احمد صدر حاج سید جوادی، هاشم صباغیان و ابراهیم یزدی به چشم می خورد.

«توافق های» اخیر فلسطین و اسرائیل

به سود کیست؟

در هفته های اخیر «توافق» هایی که بین اسرائیل و فلسطین صورت گرفت به ادعای خبرگزاری ها نخستین گام ها در جهت اجرای طرح پیشنهادی ارایه شده از سوی بوش موسوم به «نقشه راه» برای ایجاد «صلح» بین اسرائیل و فلسطین بوده است. در بحبوحه تشدید حملات اسرائیل به فلسطینی ها و کشتار آنها و عملیات تلافی جویانه از سوی فلسطینی ها، یاسر عرفات پس از دیدار با وزیر امور خارجه ایرلند در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که انتظار می رود تا گروه های حماس و جهاد اسلامی عملیات نظامی خود را متوقف کنند. «شیخ احمد یاسین»، رهبر حماس، نیز در ۲۶ ژوئن در مصاحبه تلویزیونی گفت که «حماس ممکن است برای تعلیق عملیات جنگی برضد اسرائیل آمادگی داشته باشد». ساعتی پس از این مصاحبه، مقامات اسرائیلی و فلسطینی اعلام کردند که «توافق نامه جدیدی» را امضاء کرده اند که بر مبنای آن مقامات فلسطینی کنترل امور امنیتی مناطق شمالی نوار غزه و کرانه غربی را دوباره در اختیار بگیرند. خبر این موافقت نامه به دنبال دیدار مقام های اسرائیلی و فلسطینی در تل آویو و با حضور جان وولف، فرستاده ویژه آمریکا، انتشار یافت. توافق نامه اخیر که می شود گفت در پی اعلام طرح «نقشه راه» از سوی جورج بوش، خیلی سریع صورت گرفته، طرحی است که تنها و تنها منافع آمریکا و اسرائیل را تامین می کند و کمتر به منافع فلسطینی می پردازد. روز ۴ ژوئن، جورج بوش در بندر عقبه، با محمود عباس، نخست وزیر فلسطین، و آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل، ملاقات کرد.

تصمیم ایالات متحده را برای ترغیب مذاکرات جدید باید از دو جنبه بررسی کرد. از سویی، به رغم حملات بی وقفه ارتش اسرائیل به مردم فلسطین، که از پشتیبانی کامل آمریکا برخوردار بوده، مقاومت مردم فلسطین کاهش نیافته است و ادامه این وضعیت با توجه به بحران اقتصادی دامنه دار اسرائیل دشوار است. از سویی دیگر حمله به عراق احساسات ضد آمریکایی را در میان خلق های منطقه و به ویژه در میان شهروندان کشورهای عربی افزایش داده است که به نوبه خود حکومت های سرسپرده به آمریکا در منطقه را با مشکلات جدی رو به رو کرده است. طرح «نقشه راه» بر خلاف تبلیغات فراوانی که در مورد آن شده است، موارد مهمی از خواست های مردم فلسطین را بر آورده نمی سازد و به باور بسیاری و به ویژه برخی نیروهای ترقیخواه فلسطینی، «نقشه راه» طرح نابودی فلسطین در تمامیت آن است. «سرزمین» فلسطینی که از سوی شارون و بوش برای سال ۲۰۰۵ در نظر گرفته شده است (که منطقه تحت حاکمیت دولت فلسطینی خواهد بود)، مشکل از چهار منطقه مجزا و بدون ارتباط است و این مناطق وسعتی در حدود نیمی از کرانه غربی و نوار غزه را دارد. کرانه غربی و نوار غزه که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، در مجموع ۲۲ درصد فلسطین تاریخی را تشکیل می دهد.

توافق های اخیر در شرایطی صورت گرفته است که شارون همچنان در مواضع خود در مورد فلسطین پا برجا است، یعنی همان موضعی که او چند ماه پیش از پیروزی خود برای نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه با اورشلیم پست، در ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۰، اعلام کرده بود. «حفظ» کامل اورشلیم بزرگ، بدون تقسیم آن به دو بخش شرقی و غربی، تحت کنترل اسرائیل، که به مفهوم تمامی شهر اورشلیم و اطراف آن است که اسرائیل آن را در سال ۱۹۶۷ به اشغال خود در آورد. در ژوئیه ۲۰۰۰، شارون اعلام کرد که بخش بزرگی از کرانه غربی که اشغال شده بود، می بایست ضمیمه اسرائیل شود. در حال حاضر نیز دولت او مشغول تکمیل دیوار امنیتی به طول بیش از ۳۰۰ کیلو متر است که تمامی مناطق فلسطینی نشین را احاطه می کند.

تحولات اخیر در فلسطین، و تبلیغات فراوانی که در مورد آن می شود، به ویژه خروج نیروهای اسرائیلی از برخی مناطق، بیشتر در برگیرنده مناطقی است که خارج از برنامه دولت اسرائیل در آنها توسط نیروهای بسیار افراطی شهرک های یهودی نشین ایجاد شده بود. با توجه به این، در صورت اجرای موفقیت آمیز «نقشه راه»، اسرائیل منافع بسیار جدی بی خواهد داشت که بر پایه آن نیمی از کرانه غربی ضمیمه این کشور شده و تمامی شهرها عملاً همچنان در کنترل کامل اسرائیل باقی خواهند ماند. از سویی دیگر و با مذاکراتی که اخیراً با میانجی گری آمریکا صورت گرفته است، اسرائیل از سوی کشورهای منطقه به رسمیت شناخته خواهد شد و روابط سیاسی و بازرگانی در بین آنها ایجاد خواهد شد. در حالی که فلسطین به عنوان یک «دولت خودگردان»، به صورت یک مستعمره با نیروی کار ارزان و بازار بزرگ اقتصادی برای اسرائیل در خواهد آمد.

مرگ قابل پیشگیری ۶

میلیون کودک!

بنا به گزارش کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، سالانه بیش از ۶ میلیون کودک به علت عدم دسترسی به دارو و درمان های لازم بر اثر بیماری قابل پیش گیری جان خود را از دست می دهند.

بر اساس این گزارش ۵۰ درصد مرگ و میر کودکان در شش کشور هندوستان، نیجریه، چین، پاکستان، جمهوری دموکراتیک کنگو و اتیوپی، از بیماری های قابل درمان و در زمره این گروه هستند.

بیماری هایی که باعث مرگ و میر این کودکان می شود، مانند اسهال، ذات الریه و سوء تغذیه تا مالاریا و ایدز قابل پیشگیری و یا قابل معالجه هستند. دکتر جنیفر برایتس، از سازمان بهداشت جهانی می گوید: اگر مردم پول و توجه خود را متوجه این مساله نمایند، ما می توانیم سالانه جان شش میلیون کودک را فقط با آنچه که در حال حاضر می دانیم چه باید بکنیم، نجات دهیم، مساله چگونگی معالجه و دانستن تکنیک نیست، بلکه اختصاص امکانات. پزشکان امکان جلوگیری از این مرگ ها را دارند، ولی راه حل های پیشنهادی آنها در ترکیب سیاست های بهداشت عمومی قرار نمی گیرد. در آخرین شماره مجله پزشکی «لانست» (LANCET)، دکتر برایتس و سایر متخصصان بهداشت کودکان بر این موضوع پافشاری کرده اند که سازمان ملل، دولت ها، نهادهای رشد و توسعه و دانشمندان، نیروی خود را بر بهداشت و نجات جان کودکان متمرکز سازند. سردبیر مجله لانست، ریچارد هورتون می گوید: «ما زنده ماندن کودکان را عاجل ترین موضوع سیاسی و انسانی دوران خود می دانیم.» تقریباً تمامی مرگ و میرهایی که در بین کودکان رخ می دهد، در کشورهای فقیر صورت می گیرد. اما داروها و شیوه های پیش گیری کننده، از قبیل تشویق و ترغیب شیر دادن مادران به فرزندان، بهبود مواد غذایی، از بین بردن حشره ها (حشره کش ها) برای جلوگیری از ابتلا به مالاریا، واکسیناسیون علیه عفونت ها و بهبود در تهیه آب آشامیدنی و اقدامات دیگر بهداشتی که می توانند از ابتلا به این بیماری ها پیش گیری کنند، در دسترس نیستند. و آن بیماری هایی که کودکان به آن مبتلا می شوند، بوسیله داروهای ضد مالاریا، «پنی سیلین» و دیگر روش های درمانی، قابل معالجه هستند. دکتر سزار ویکتوریا، یکی از کارشناسان بیماری های واگیر دار، در دانشگاه «پی لوتاس» برزیل می گوید: «بیشتر این امکانات پیش گیری کننده به نیمی از کودکانی که احتیاج به آنها دارند، نمی رسند.»

کمونیست های عراق برای دموکراسی

و استقلال می رزمند!

مصاحبه با رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و از مسئولان شعبه روابط بین المللی حزب، درباره اوضاع جاری و وظایف حزب برادر در شرایط سخت کنونی عراق



روزنامه طریق الشعب، ارگان حزب کمونیست عراق که در ده ها هزار نسخه در عراق منتشر و پخش می شود

سؤال: ما از وصول اخبار مربوط به بازگشایی دفتر حزب کمونیست عراق در بغداد و سایر شهرها و توزیع وسیع نشریات بخصوص طریق الشعب (ارگان مرکزی حزب برادر)، خرسند شدیم. لطفاً در مورد نکات مهم استقرار مجدد حزب بعد از ده ها سال توضیح بفرمایید.

جواب: بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم صدام، حزب توانست در سراسر کشور صفوف خود را سازمان دهد. این موفقیت بار دیگر نشان داد که حزب ما بعد از دو دهه و نیم کارزار حذف فیزیکی و سرکوب وسیع، ریشه های عمیقی در بین مردم عراق داشته و دارد. مقاومت دائمی حزب و حضور مستمر در داخل عراق و در کنار مردم در شرایط بسیار سخت و همچنین داشتن برنامه سیاسی میهن پرستانه و مبارزه بی امان

ادامه در صفحه ۹

در چارچوب ملاقات های اخیر میان نمایندگان رهبری دو حزب برادر، رفیق سلام علی، که اخیراً پس از شش هفته مأموریت حزبی سرنوشته ساز در بغداد به اروپا مسافرت کرده است، به سئوالات نامه مردم درباره با تحولات بغرنج این کشور و سیاست های حزب برادر پاسخ می دهد.

سؤال: تقریباً دو ماه از جنگ تحمیلی آمریکا به مردم عراق و سرنگونی رژیم دیکتاتوری می گذرد و سمت و سوی روند حوادث هنوز مشخص نیست. با توجه به بازگشت اخیر شما از عراق و مطالعه اوضاع از نزدیک، لطفاً وضعیت موجود در کشور را تشریح کنید.

جواب: بعد از فروپاشی رژیم صدام حسین و اشغال عراق توسط نیروهای آمریکا و انگلیسی، درنهم آوریل و تمام جنگ، در کشور وضعیت حادی را داریم. جنگ دولت عراق را از بین برد و باعث خلاء قدرت گردید. هنوز مردم عراق به دلیل عدم امنیت، حضور عوامل رژیم گذشته و نبود مایحتاج اساسی مانند برق و سوخت در شرایط سختی زندگی می کنند. این وضعیت به طور جدی جریان زندگی به خصوص بهداشت و آموزش را تحت تاثیر قرار داده است در نتیجه خوشحالی از سرنگونی رژیم دیکتاتوری به درماندگی و عصبانیت تبدیل شده است. این امر با زیر پا گذاشتن تعهد های نیروهای اشغالگر مبنی بر اجرای تعهداتشان که به مردم عراق اجازه می دهد تا از حقوق بر حق خود برای تعیین سرنوشت و آینده سیاسی خود و باراده خود بدون دخالت خارجی شرکت کنند، بدتر شده است. عدم پاسخگویی به درخواست مردم تنها باعث تشدید احساسات و تشدید مقاومت بر ضد اشغال آمریکا و انگلیس می گردد. برای مقابله با وضع بحرانی که از عوارض بعد از جنگ و خلاء قدرت است حزب کمونیست عراق به همراه دیگر نیروهای عمده سیاسی برای انتخاب دولت ائتلافی میهنی که از قدرت کامل برخوردار باشد دعوت به کنفرانس وسیع ملی نموده است. این دولت انتقالی بایستی طرح قانون اساسی را آماده سازد و با تضمین آزادی های دموکراتیک و آماده سازی شرایط لازم برای انتخابات آزاد زیر نظارت سازمان ملل متحد، و نیز تمام دوره گذار، به عنوان گامی موثر و اساسی برای گذر به ساختن عراقی دموکراتیک و قانونی قدم بردارد.

وظیفه خطیر دیگر این دولت ائتلافی مذاکره برای تسریع در خاتمه اشغال کشور توسط نیروهای آمریکایی - انگلیسی و تضمین کامل حق حاکمیت و استقلال کشور خواهد بود. بدنبال مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد در ماه گذشته (قطعه نامه ۱۴۸۳) که عملاً به اشغال عراق جنبه قانونی داد مسئولین آمریکایی اینک سعی بر تحمیل یک شورای سیاسی مشورتی را بدون داشتن قدرت اجرایی دارند. این تلاشها توسط اکثریت مطلق نیروهای سیاسی عراق رد شده و به جای آن درخواست برقرار کردن یک دولت ائتلافی انتقالی بدون دخالت عامل خارجی نمودند. در این راستا حمایت همه جانبه بین المللی از طریق سازمان ملل بر پایه قانونیت بین المللی، در دادن قدرت به مردم عراق و قادر کردن آن ها در تعیین سرنوشت خود، از اهمیت وافر برخوردار است.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 664
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 July 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک